مقاله اول | سال اول

تذکرات دیانتی

طبع سیم

غرهٔ شهر جمادی الاول عجالتاً ماهی دودفعه طبع میشود ۱۳۴۵

وجه اشتراک :

سالیانه ــ ۵ قران ششماهه ۲ قران ۱۰ شاهی پیشکی

در سایر ولایات داخله وخارجه باضافهٔ اجرت پست است

مجلس دیانت اسلامی که روزهای جمعه در کوچهٔ مجتهد طرف عصر چهار ساعت بغروب مانده تشکیل می یابد مذاکرات قائد روحانی حضرت مستطاب آقای (**شیخ غلامحسین**) آقا دامت برکاته را بعضی از اعضای محترم مجمع برشتهٔ تحریر آورده از طرف جمعیت دیانتی بواسطهٔ این اوراق برای استفادهٔ عموم طبع ونشر میشود.

تمنی

از ارباب معارف آنکه اگر درعبارات والفاظ آن سهو و نسیانی یا اغلاط طبعی بوده باشد ؛ لطفاً اغماض واگر در اصل موضوع ایراد واعتراض داشته باشند : کتباً به جمعیت دیانت اسلامی (کوچهٔ مجتهد) ابلاغ فرمایند

در محل های مفصلهٔ ذیل بفروش خواهد رسید

بازار حرمخانه کتابخانه
خورشید هلال

بازار شیشه گرخانه
کتابخانه سروش

بازار حاجی سیدحسین دکان
مشهدی ابوالقاسم صحاف

تبریز مطبعهٔ «سعادت»

بسم الله الرحمن الرحیم

[جمع مراتب فضل و کمالیکه خداوند احدیت بر تمام انبیای خود کرامت فرموده بر پیغمبر گرامی ما حضرت ختمی مرتبت ص ع بذل وعلاوه بر کلیه آنها هم تفضیل داده است]

البته دانشمندان و صاحبان عقول دراین مطلب شك وتردیدی نخواهند داشت که نشانه‌ها ومعجزات وخوارق عاداتیکه حضرت باری‌تعالی برای اثبات صدق رسالت بانبیاء ورسل خود کرامت فرموده رؤیت این معجزات باهرات درحین حیات انبیاء برای سه قسم اشخاص ممکن و میسر بوده است :

قسم اول اشخاصی است که درشهر آن پیغمبر مبعوث ساکن و در مجلس ظهور آیات و معجزات حضور داشته اند .

قسم ثانی کسانی‌است که از اطراف و اکناف عالم برای درك حضور شخص نبی بزیارت آنها مشرف وبرای صدق ادعای ایشان از روی حقیقت درخواست بینه ومعجزه نموده وصدور خارق‌العاده را رؤیت کرده اند .

قسم ثالث اهالی بلاد و دهاتی است که شخصاً انبیاء به آنجاها مسافرت واظهار معجزه فرموده اند غیرازاین سه‌قسم شق دیگری برؤیت معجزه در حال حیات نبی متصوّر نیست .

اما برای آنهائیکه درمواقع ظهور معجزات درهمان شهر نبوده ویا درهمان شهر بوده ولی درهمان مجامع حضور نداشته اند چنانکه ممکن است جماعتی دریك شهری سکنی داشته ومشغول اصلاح امور خانوادگی وکسب معیشت ودفع احتیاجات وجلب منافع شخصی که تمام اینها مانع ازحضور درچنان محافل است بوده وضمناً درهمان محل هم وقایعی اتفاق بیافتد که بکلی بی اطلاع باشند پس دراین صورت اتمام حجت به آنها وظهور حق درنزد آنها با کدام وسیله ممکن است

آیا غیر ازطریق نقلیکه افادهٔ قطع و ازالهٔ شك نماید امکان پذیر است ؟ البته نیست .

اینمطلب هم باید مستورنماند که تمامی نقلها هم اقامهٔ قطع واثبات حق نمینماید زیرا که هرگاه بنا براین باشد که تمام نقلها را قبول کرده و اذعان نمائیم آنوقت باید تمام معجزاتیکه عوام الناس بر درختها وسنگها و گوسالهابسته و برای خودشان معبوداخذنموده ویا به بتهائیکه آنهارا با زحمت دست خود درست کرده و از فرط جهل درمقابل حاصل دست رنج های خود بنده وار طوق عبودیت را بگردن انداخته و بمقام پرستش آنها برآمده ویا اینکه ببزرگان و پیشوایان خود چه درحال حیات یابقبورشان در

حین ممات نقل و پیرویشان کرده که در حقیقت تبعیت و پیرویشان سبب ضلالت وموجب بدبختی پیروانشان گردیده بدون تفحص وتجسس عقلانی قبول نمائیم ناچاریم که تمام مذاهب باطله را حق وتمام ادیان موهومه را بدون استثناء مقدس بشماریم !

زیرا که این مسئله مسلم عموم است که هر کس هر دینی که اختیار نموده وطریقهٔ را که پیش گرفته لابد بعضی مراتب را از اعجاز و کرامت وغیره بدین وطریقهٔ خود بند کرده حتی دراویش وصوفیها هزاران معجزات بی اساس و کرامات بی بنیان بر قائدین و مؤسسین طریقهٔ خود نقل و بند کرده اند .

پس در اینصورت شك نیست که تمام نقل ها را تصدیق نتوان کرد و از طرف دیگر هم بقبول غالب نقل‌ها درمواقع کثیره محتاجیم زیرا که ممکن نیست تصدیق تمام اشیاء را منحصر بحس فرض ومشاهده نمائیم چه بسیار ازشهر ها ونهرها و دریا ها و درختها و کوهها و صحراها و اصناف مردم و اقسام انسانها وغیره هم که فقط باطریق نقل معلوم و محقق شده . یعنی برهمه کس مسافرت بتمام نقاط جزؤ و کل دنیا ومشاهدت تمام موجودات که وجود شان بطریق نقل ثابت‌شده وقطعیت پیدا کرده ممکن نبوده سهل است که حتی برهمهٔ افراد خلق فقط دیدن شهرهای معظمی مثل لندن و برلن و نیویورك و غیرهم امکان‌پذیر نیست پس دراین صورت کسیکه این شهرها راخودش بالمشاهده ندیده آیا میتواند ادعای عدم وجود بلاد فوق را بنماید ؟

البته هر گاه کسی درمقام همچو ادعایی بیاید از زمرهٔ عاقلان دور و از سلسلهٔ دانشمندان کنار بلکه ازسر حلقهٔ جاهلان و پیشقدم ابلهان محسوب است

وبرای خداوند هم لازم است که شاهراه هدایت را هموار کرده و ارائه فرماید بعد از آن هر کس انحراف ورزد اختیاراً عزت دائمی را بذلت ابدی تبدیل و تابع هوای نفس گردیده . (و علی‌الله قصد السبیل) الخ چنانکه درطریقهٔ الهیه هم واجب است که بتمام پیغمبران با یك شکلی تبعیت شود تفاوتی میان هیچ یك از آنها گذاشته نشود پس هر کسیکه فرق گذارد میان آنها یعنی بعضی را تصدیق و برخی را تکذیب نماید باوحدت سبیل یقیناً طغیان کرده وطریق ضلالت را پیموده و از راه حق منحرف گشته .

چنانکه ذات سبحانی هم در کتاب مبین خود بهمان برهان عالی اشاره کرده و میفرماید (قولوا آمنا بالله وما انزل الینا (الی) لا نفرق بین احد منهم ونحن له مسلمون فان آمنوا بمثل ما آمنتم به فقد اهتدوا وان تولوا فانما هم فی شقاق فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم)

اینست سلیقهٔ خدا و هم چنین است رسم و معمول تمام ممالك دنیا شما را بخدا هر گاه از مرکز مملکتی حاکمی بیك قسمت همان مملکت اعزام شود با ترتیبات ونشانه های مخصوص که لازم است دارا بوده واسنادیکه تحکیم موقعیت خود را نماید در دست داشته باشد اهالی هم قبول نموده و باوامرش انقیاد کنند ولی بعد از آن هم از همان مرکز یك والی علیحده با همان نشانه ها و علایم که اولی داشت

مامور تشکیل حکومت و اصلاح امورات همان محل شود و اهالی قبولش نکنند غیر از نا فرمانی در مقابل قانون و یا شخص پادشاه است؟ البته لازمهٔ اطاعت در مقابل قانون یا شخص پادشاه همانا عبارت از قبول تمام مامورین اعزامی است که نشانه های لازمه را دارا باشند . واقتضای تسلیم بخدا وایمان آوردن و اقرار کردن باوهم همین است که تفاوتی در میان پیغمبران حق او یعنی در طریق معرفت وتصدیق گذاشته نشود

و این تسلیم هم بمنصهٔ ظهور نمیرسد مگراینکه انسان بنورعقل هدایت شود و همچنین اعتقاد همان دین فطری است که خداوند عالم اصل فطرت را با همان سلیقه و رنك مرتب ومزین فرموده پس دراینوقت میگوییم که تمام آن چیزهائیکه خداوند عالم بانبیای خود محض اتمام حجت عطا نموده بر پیغمبر گرامی ما محمد ص ع هم کرامت فرموده و بهر شکلی که نبوت شان بثبوت رسیده و ادعای شان قبول گشته و کلمات شان بالا گرفته تمام آنها موجود ومحقق است در اثبات نبوت حضرت ختمی مرتبت ص ع

پس ای آن ملل و اقوامیکه وجود کتاب الهی را در بین بشر لازم میدانید یعنی جماعت یهود ونصاری درطریق حق عناد نکرده و از محکمهٔ انصاف استمانت طلبیده و بضلالت گردن نه نهاده و در راههای کج و ناهموار قدم نزنید .

زیراکه شما معجزات انبیای خودتان را هم مشاهده نه نموده و برأی العین که ندیده‌اید در حالتیکه بیك روز جزا و یوم حساب هم

ایمان آورده اید و آنرا هم البته اعتقاد کرده اید که یك روزی خواهد شد که تمام مخلوقات را در موقف مسئولیتی نگاه داشته و از کرده هایشان سؤال خواهند کرد فرض کنید امروز همان روز سؤال است وشما را در پیشگاه عدالتخانهٔ الهی نگاه داشته وسؤال میکنند که ای یهود و ای نصاری بچه دلایل منطقی میان انبیای من فرق گذاشتید با وجود اینکه شما هیچ یك از آنها را ندیده بودید و با کدامین دلایل عقلی به معجزاتیکه از حضرت کلیم و مسیح نقل شده اعتقاد کرده و بمعجزات منقوله از حضرت خاتم انبیاء اعتقاد نه نمودید ؟

کدام است جواب شما ؟

اگر بروز پاداش اعتماد ندارید پس قبول دیانت هم کاری است ابلهانه یعنی در صورتیکه مسئولیتی نشود داعی چیست که انسان خود را با قیود اوامر و نواهی دین مقید کرده واز لذایذ دنیوی بی بهره ماند ! البته طریق عقلائی نیست .

اگر معجزات خاتم الانبیا را باین جهة که ناقلین‌اش مسلمانان بوده و آنها هم مدعی هستند تصدیق نکرده و قبول نمیکنید

پس بلا شك ناقلین معجزات انبیای سلف هم همان اشخاص بوده‌اند که به آنها ایمان آورده و تصدیق شان کرده اند .

در صورت اتخاذ همچنین ترتیبی لازم است که ابداً بهیچ پیغمبر و کتابی تصدیق نشود .

هر گاه همین طور باشد بغیر از محو حق و احیای باطل وتخریب ابنیهٔ

رحمانی و تعمیر عمارات شیطانی نتیجهٔ هست ؟

ویا اگر معجزات حضرت خاتم الانبیاء را جهة عدم معرفت احوال ناقلین اش تصدیق نمی کنید بدین سبب که از صداقت وعدالتشان مطلع نبوده و بصحت اقرار شان نمیتوانید وثوق نمائید :

(در صورتیکه صفحات تاریخ دورهٔ حیات شعشعانی شان را با کمال افتخار جهة قارئین و ناظرین ذخیره نموده)

همچنین است ناقلین معجزات کلیم ومسیح وسایر انبیاء . اگرتقلید و تعصب جاهلانه را بکنار گذاشته خواهید دید که آنها را هم نشناخته و بصحت اقوال شان هم نمی توانید وثوق نمائید

پس تمام ناقلین معجزات انبیاء هر گاه تقلید وتعبد کور کورانه را ترك نمائید در یك میزان و اندازه است .

اگر بیك دینی وکتابی ایمان آورده اید بچه علت میان انبیای خداوند فرق میگذارید

پس در همین‌صورت با پیشانی باز وآواز رسا گوشزد عالمیان عموماً ویهود و نصاری خصوصاً کرده و میگوییم که تمام دلایل و براهین که با اقامهٔ آنها اثبات نبوت ومعجزات حضرت کلیم و مسیح شود تمام آنها موجود و محقق است در اثبات نبوت و قبول معجزات حضرت ختمی مرتبت ص ع

وعلاوه چنانکه در مقالات آتیه بملاحظهٔ قارئین محترم خواهد رسید که طرق معرفت وتصدیق تمام انبیای سلف بدون تمسك و اقرار به نبوت و صدق حضرت خاتم الانبیاء از هر جهة مسدود است .